

آینده مبارک مصر؟



مهدی فرازی

همواره در حکومت‌های استبدادی، مسئله جانشینی و انتقال قدرت، موضوعی است پیچیده که تنها در قالب مدیریتی جامع، این مرحله گذار با موفقیت به اتمام خواهد رسید.

اخوان المسلمین در سال ۱۹۸۱ کشته شد. جالب اینجاست که انور سادات نیز خود معاون اول جمال عبدالناصر بود که پس از مرگ ناصر به سمت ریاست جمهوری رسید. مبارک در طول ۳۲ سال حکومت خود، هرگز معاون اول که در حکم جانشین رئیس‌جمهور بود برای خود تعیین نکرد؛ زیرا در جمعی نظامی، تنفیذ قدرت می‌توانست شرایط را برای کودتایی علیه او فراهم آورد. مبارک اصولاً به‌عنوان رهبری میانه‌رو در جهان عرب شناخته می‌شد. تلاش‌های او در دهه ۱۹۹۰، بیش از هر چیز سبب عادی‌سازی روابط تمامی کشورهای عرب با اسرائیل شد؛ عاملی که سبب دوباره مصر آبروی رفته خود در قرارداد کمپ‌دیوید را بازستاند و به عنوان تاثیرگذارترین کشور عرب در جهان و خاورمیانه مطرح شود. مبارک حاکم کشوری با جمعیتی مشابه ایران و منابع اندک نفتی بود که مصرف داخلی را جوابگو بود. او سیاست‌های سوسیالیستی سلف خود را به کناری گذاشت و سیاست‌های درهای باز یا

برای تحلیل وقایع و تحولات اخیر در مصر از کجا باید آغاز کرد؟ آیا این تحولات یک انقلاب است یا یک اصلاح بنیادی؟ آیا مبارک می‌توانست جلوی این اتفاقات را بگیرد و این وضعیت تا چه زمانی ادامه پیدا خواهد کرد؟

همواره در حکومت‌های استبدادی، مسئله جانشینی و انتقال قدرت، موضوعی است پیچیده که تنها در قالب مدیریتی جامع، این مرحله گذار با موفقیت به اتمام خواهد رسید. چه بسا که در دوران انتقال قدرت، کودتایی رخ دهد و تمام خواست‌های یک ملت به رویایی بدل شود و چه بسا حرکتی ملی، راه را بر برنامه‌های از پیش تعیین شده تمامیت‌خواهان مسدود سازد. تحولات مصر از منظر انتقال قدرت از حسنی مبارک به جانشین احتمالی او، بیش از سایر موارد قابل تحلیل و کنکاش است.

حسنی مبارک در حالی بر کرسی ریاست جمهوری در مصر نشست که خود معاون اول رئیس‌جمهور قبلی مصر، انور سادات بود که به ضرب گلوله خالد اسلامبولی، از اعضای

اسفند ۸۹ - فروردین ۹۰

«افتتاح» را با کمک‌های مالی آمریکا و مشاوره بانک جهانی دنبال نمود. جمال مبارک فرزند او که در لندن در زمینه امور مالی، تحصیل کرده است با همکاری احمد نظیف نخست وزیر مصر، این سیاست را به طور جدی در سال‌های اخیر تعقیب نمودند؛ عاملی که بسیاری از مردم مصر را با مشکلات اقتصادی همچون ۲۰ درصد جمعیت زیر خط فقر و افزایش مالیات و کاهش دستمزدها مواجه نمود. به نحوی که عده‌ای معتقدند در سال‌های اخیر حسنی مبارک دخالت چندانی در امور داخلی و سیاست‌های دولت نداشته و احمد نظیف مسائل داخلی مصر را بیشتر با جمال مبارک هماهنگ می‌کرده است.

اما مشکل از زمانی جدی شد که برخی اذعان داشتند حسنی مبارک تلاش دارد ریاست جمهوری را در خانواده خود موروثی کرده و پسرش جمال را بر سریر قدرت بنشانند. همین عامل و نارضایتی مردمی از شرایط مصر، سبب شد تا علیرغم تغییر قانون انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۵، تنها ۲۵ درصد واجدین شرایط در این انتخابات شرکت کنند. حسنی مبارک برای اولین بار بود که از برگزاری رفراندوم برای انتخاب خود منصرف شد و اجازه داد رقیب انتخاباتی داشته باشد، اما تنها مدت زمان اندکی پس از انتخابات نیز رقیب خود (ایمن النور) را به مدت ۲ سال زندانی نمود؛ کسی که در نهایت بنا به درخواست او باما در سفرش به مصر از زندان آزاد شد. تشدید بیماری حسنی مبارک در ماه‌های اخیر سبب شد عده‌ای از اطرافیانش از او بخواهند تا معاونی را برای خود تعیین نمایند تا در صورت فوت ناگهانی او، اوضاع مصر به آرامی دوران انتقال قدرت را سپری کند. مبارک از واکنش مردم درانتخاب پسر خود به سمت معاون اولی بیم داشت و حتی پیشنهاد اطرافیانش برای معاونی ژنرال عمر سلیمان، وزیر اطلاعات و جانشین مبارک در امور نظامی را نیز رد کرد. در این لحظه بود که مبارک درست پیش از انتخابات پارلمانی مصر در سال ۲۰۱۰، به این اجماع رسید که شرایط برای انتقال قدرت به فرزندش مساعد نیست و اعلام کرد که خود در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۱ برای ششمین

بار شرکت خواهد کرد؛ هرچند برخی از هم حزبی‌های مبارک پیش‌بینی می‌کردند او در آخرین دقایق، در حمایت از فرزندش جمال مبارک از عرصه انتخابات کنار خواهد رفت. در همین هنگام بود که بازگشت محمد البرادعی همچون هوایی تازه، مصر را فرا گرفت. دیپلماتی با سابقه در عرصه بین‌المللی، عاری از فساد و کسی که پس از سال‌ها حضور موفقیت‌آمیز در عرصه‌های بین‌المللی، حال تغییر را برای مردم میهنش می‌خواست. البرادعی اعلام کرد تنها در صورتی حاضر است در انتخابات ۲۰۱۱ به عنوان نامزد ریاست جمهوری حضور پیدا کند که شش شرط او همچون نظارت بین‌المللی بر انتخابات، تغییر قانون انتخابات برای نامزدی آزادانه تمامی مردم مصر و... توسط دولت به رسمیت شناخته شود. این شرط‌ها از همان آغاز توسط حاکمیت رد شد و سبب شد تا حامیان البرادعی انتخابات پارلمانی اخیر را تحریم کنند.

تمامی این مسائل سبب شد تا حسنی مبارک با برگزاری یک انتخابات پارلمانی کاملاً فرمایشی در نوامبر ۲۰۱۰ (آذر ۱۳۸۹) که هیچ یک از نمایندگان گروه اخوان المسلمین - که در پارلمان قبلی صاحب ۲۰ درصد از کرسی‌ها بودند- در آن پیروز نشدند، قاطعیت خود را برای انتخابات

مصری‌ها در گام اول دانستند که یک چیز را نمی‌خواهند و آن حکومت موروثی برای مبارک یا هر شخص دیگری است. حال در گام دوم احزاب، جنبش‌ها و سیاستمداران مصری شش ماه فرصت دارند تا به مردم خود توضیح دهند که کارکرد و ماهیت حکومت آن‌ها چگونه خواهد بود

بود

آتی ریاست جمهوری در سپتامبر ۲۰۱۱ به همگان نشان دهد. تغییر ناپذیری مبارک در تصمیم خود که حتی منجر به کشته شدن چند مصری در انتخابات پارلمانی اخیر نیز شده بود، شرایط را برای مردم مصر و اجماع آن‌ها بر یک موضوع مشخص نمود: خلع حسنی مبارک.

مردم مصر پس از خیزش‌های ضد دیکتاتوری در جهان عرب، خواستار خلع حسنی مبارک شدند. حسنی مبارک نیز به ناچار، این موضوع را پذیرفت و قدرت را به عمر سلیمان واگذار نمود. دولتی که وظیفه انتقال دموکراتیک قدرت را تا شش ماه آینده بر عهده خواهد داشت. از اتفاقات مصر چنین استنباط می‌شود که بسیاری از نخبگان قدیم و جدید مصری نیز اصلاحات بنیادی و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در فرآیندی دموکراتیک را بر انقلابی هرج و مرج‌گونه و انتقال نامشخص و خشونت‌آمیز قدرت، ترجیح می‌دهند. انقلاب در مصر، می‌توانست هزینه‌های سنگین را برای این کشور به همراه داشته باشد. شاید بتوان مباحثات مردم با حسنی مبارک برای ماندن در شرم الشیخ مصر را سمبل تلاش برای اصلاحاتی مسالمت‌آمیز دانست تا یک انقلابی برای انتقام از رهبری که سی سال بر آن‌ها حکومت کرده است. ارتش در مصر نیز، همچون کشورهای پاکستان و ترکیه همواره به‌عنوان نمادی برای وحدت و ناجی ملی مطرح بوده است. عدم کشتار مردم توسط ارتش مصر و همکاری مردم برای فراهم شدن شرایط انتقال قدرت در انتخابات پیش‌رو دلیلی بر این مدعاست. مصری‌ها در گام اول دانستند که یک چیز را نمی‌خواهند و آن حکومت موروثی برای مبارک یا هر شخص دیگری است. حال در گام دوم احزاب، جنبش‌ها و سیاستمداران مصری شش ماه فرصت دارند تا به مردم خود توضیح دهند که کارکرد و ماهیت حکومت آن‌ها چگونه خواهد بود.

به نظر می‌رسد مردم مصر، اولین ملت عرب خاورمیانه هستند که توانستند بدون حمله و کمک خارجی، گامی بلند به سوی دموکراسی پایدار بردارند. در جهان عرب، مصر همچنان الهام بخش باقی خواهد ماند.